

پول و اقتصاد در اندیشه شعری ازرا پاند

علیرضا جعفری*

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

ادبیات و نمودهای مختلف آن مانند شعر، در دایره گسترده‌ای از دانش‌های بین‌رشته‌ای قرار می‌گیرد. همین امر موجب شده است مناسبات متنوعی میان ادبیات و نیز شعر با رشته‌های دیگر دانش وجود داشته باشد؛ هر چند ممکن است در نگاه اول، بعضی از این رابطه‌ها ناممکن و یا اتفاقی به نظر بیاید. رابطه میان شعر و اقتصاد از این‌گونه است. رویکردهای موجود به مقوله شعر بیشتر از دیدگاه‌های تاریخی، فرهنگی و هنری، زیبایی‌شناسانه و اجتماعی بوده و کمتر از دیدگاه اقتصادی به آن نگریسته شده است. این مقوله می‌تواند موضوع پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در حوزه ادبیات و اقتصاد باشد. پژوهشگر با علم به این مسئله و بر پایه دستاوردهای پژوهش‌های پیشین خویش تلاش کرده است ضمن محدود کردن دامنه موضوع تحقیق، به جنبه‌های بنیادین و البته عینی آن بنگرد تا مخاطب به کلیدهایی برای ورود به مباحث گسترده‌تر دست یابد. برای نیل به این مقصود، بازخوانی رابطه شعر و اقتصاد در اشعار یکی از بزرگ‌ترین شاعران غربی قرن بیستم، ازرا پاند، موضوع پژوهش قرار گرفته است. نخست با نگاهی تاریخی، به ریشه‌های اجتماعی و خانوادگی پاند در نسبت با مفاهیم بنیادین اقتصاد پرداخته و سپس با نگاهی تحلیلی، نمودهای این مناسبات را در اشعار و آثار او ردگیری کرده‌ایم. در بخش نتیجه‌گیری نیز بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل‌ها، به مقدمه بازگشته و گزاره‌هایی تفسیری در باب رابطه شعر و اقتصاد و ضرورت بازنگری این رابطه را بیان کرده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: ازرا پاند، شعر، اقتصاد، پول، زیبایی‌شناسی.

فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی، س. ۴، ش. ۱۳، بهار ۱۳۹۰ (صص ۱۱۷-۱۴۲)

* نویسنده مسئول: jafari45@yahoo.com

مقدمه

در میان حوزه‌ها و رشته‌های آگاهی و دانش، ادبیات ویژگی خاصی دارد و آن اینکه، به واسطه اشتراک‌های متعدد و متنوع و هم‌پوشانی‌های گوناگون با سایر حوزه‌ها، هر گونه پژوهشی در آن به‌ناچار با مفاهیم رشته‌های دیگر گره می‌خورد. این امر موجب شده است تا ادبیات بسیار بالاتر از یک ماهیت بین‌رشته‌ای، کارکردی و رارشته‌ای داشته باشد. شاید به همین دلیل است که در بسیاری از پژوهش‌های مستقل در دیگر حوزه‌ها، همواره ادبیات جایگاه انکارناپذیری دارد. تصور بعضی از مناسبات ادبیات و حوزه‌های دیگر بسیار ساده و ملموس است. برای مثال، شعر که آشنا‌ترین نمود حوزه ادبیات است، همواره و از دید همگان خاستگاه‌ها و جنبه‌های روشن اجتماعی دارد؛ اما آنجا که سخن از رابطه میان شعر و اقتصاد به میان می‌آید، کمتر نشانه‌ای از مناسبت‌های روشن یافت می‌شود. پرداختن به موضوع پول و اقتصاد که معمولاً تداعی‌گر مسائل روزمره و بسیار عینی و ملموس زندگی است، می‌تواند در آشکارگی این نسبت مؤثر باشد.

نگرش و تمایل فراگیری وجود دارد که به ادبیات به‌مثابه یک رشته فعالیت‌های خلاق، زیبایی‌شناختی و هنری می‌نگرد؛ نگرشی که در آن پول و اقتصاد جایی ندارد. این تصور ساده‌انگارانه و غیرقابل قبول ناشی از نوعی ایدئولوژی است که بر اساس آن ادبیات از پول و اقتصاد، و ارزش زیبایی‌شناسانه از ارزش پولی تفکیک و متمایز می‌شود. در این نگاه، تفاوت‌های بنیادینی میان پول و ادبیات وجود دارد و رابطه‌ای نزدیک و سازنده میان این دو متصور نیست. در دو دهه اخیر، رویکرد جدیدی در نقد ادبی به نام «نقد اقتصادی نو» ظهور کرده است. این رویکرد به جای اینکه فقط به پول به‌مثابه محتوا نگاه کند، اغلب به جنبه‌ها و ابعاد استعاری آن می‌پردازد و از آن دیدگاه، آثار ادبی را تفسیر می‌کند. این نگرش‌های نو به‌ویژه در مصادیق شعر و ادبیات نتایج مهمی داشته است. یکی از مهم‌ترین مصادیق این نوع نگاه، ازرا پاند^۱ (۱۸۸۵-۱۹۷۲م) است. ویژگی‌های اندیشه ادبی و شعری پاند این امکان را فراهم می‌کند تا با بازخوانی آن‌ها، دریچه تازه‌ای به ارتباط میان شعر و اقتصاد گشوده شود.

ازرا پاند شاعر شناخته‌شده‌ای در سراسر جهان است. در چند دهه اخیر، مقالات و کتاب‌ها و پژوهش‌های درخور توجهی در مورد او نوشته شده است؛ اما هنوز از ارتباط میان شعر و اندیشه ادبی پاند و افکار او در باب پول و اقتصاد شناخت دقیقی وجود ندارد. این مسئله به‌ویژه در ایران قابل تأمل است؛ زیرا اکثر خوانندگان اشعار پاند، به‌ویژه دانشجویان و خوانندگان ایرانی او را شاعری می‌شناسند که سهم بسزایی در شکل‌گیری و پیشرفت نهضت مدرنیسم در شعر و ادبیات غرب داشته؛ اما کاری به امور دون‌پایه و مبتذل زندگی نظیر پول و اقتصاد نداشته و فقط سرگرم پرواز در فضای خیالی و اثری اقلیم شعر بوده است. هدف کلی این پژوهش نیز آشکار کردن جنبه‌های ذکرشده در اشعار پاند است. در واقع هدف از نگارش این مقاله، تبیین و تحلیل جنبه‌های اقتصادی و پولی در شعر پاند، و دستیابی به مفاهیم پایه در رابطه میان شعر و از آن‌سو ادبیات با اقتصاد است. البته، هدف دوم آغازی برای پژوهش‌های آینده است.

خاستگاه‌های اندیشه‌های اقتصادی پاند

زندگی شعری و حرفه‌ای پاند دارای چنان وجوه و ابعاد گسترده‌ای است که هنوز بخش قابل توجهی از آن ناشناخته باقی مانده است. بعد اقتصادی و پولی اندیشه‌های شعری او، برخلاف ظاهرش، از مهم‌ترین این ابعاد است تا جایی که بدون تلاش برای فهم نقش پول، چه به‌مثابه پدیده‌ای روزمره و آشنا چه به‌مثابه استعاره‌ای فراگیر، دستیابی به فهمی درست و قابل اعتماد از پاند و آثارش تقریباً محال است. با تأمل در زندگی و آثار پاند، درمی‌یابیم میان تعهدات زیبایی‌شناسانه او در شعر خویش و امور اقتصادی و مالی مربوط به شعر و مسائل جانبی آن نظیر چاپ و نشر تنش وجود دارد. تحلیل شخصیت شعری پاند از دیدگاه اقتصاد و پول، تحلیل‌گر را به فکر وامی‌دارد که آیا شعر و ادبیات توانایی عبور و فراتر رفتن از دنیای پول و اقتصاد را دارد یا اینکه تولید، عرضه و مصرف محصولات شعری و فرهنگی فقط در حوزه اقتصاد باقی می‌ماند؟ البته، پاسخ به این پرسش سخت است و در نتیجه‌گیری نهایی می‌کوشیم تا با استفاده از تأکید پاند بر پیوند ذاتی و استعاره‌ی ناگسستنی میان شعر و پول و

مصادیقش، به اختصار به آن پردازیم. از این رو در ابتدا اهمیت نام پاند و ربط آن را با اندیشه‌های شعری‌اش مرور می‌کنیم، سپس به اهمیت پول برای ادامه حیات شاعران و هنرمندان اشاره می‌کنیم و به دلایل پاند برای توجه به موضوع پول در شعر و نیز نگاه او به شعر و پول به مثابه پدیده‌هایی همذات می‌پردازیم.

هیو کتر^۳ بر این باور است که «حتی اگر ازرا پاند در تمام عمرش یک خط شعر هم نوشته بود، باز او را به خاطر کمک‌های بی‌دریغ و بی‌وقفه‌اش به تی اس الیوت خالق *ترانه عاشقانه جی آلفرد پروفراک* و جیمز جویس خالق *اولیس* به یاد آورده و گرامی می‌داشتیم.» (2000: 315). آثاری که کتر یاد می‌کند از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین آثار ادبی قرن بیستم در غرب است. البته تعداد نویسندگان و هنرمندانی که از کمک‌ها و حمایت‌های مستقیم و یا غیرمستقیم مالی پاند برخوردار شده‌اند بسیار زیاد است. اما نام‌هایی چون جویس و الیوت به‌تنهایی گویای این جنبه از شخصیت فرهنگی و هنری پاند نیست. پاند به دلیل خدماتی از این دست به هنرمندان دیگر، بارها مورد قدردانی قرار گرفته است. اما به واسطه خلق تعدادی از برترین و بزرگ‌ترین شاهکارهای شعری قرن بیستم نظیر *کانتوها*^۴ است که هرگونه نگاه اقتصادی به شعر و یا تحلیل مناسبت‌های شعر و پول، بدون بازخوانی آثارش ناممکن می‌نماید. پاند تقریباً شصت سال، یعنی بخش بزرگی از زندگی شعری خویش را صرف نوشتن *کانتوها* کرد؛ کاری که به زعم خود او نیز بدون فهم ذات پول و نقش آن به مثابه شکل و محتوا قابل فهم نخواهد بود. شناخت نقش و جایگاه اقتصاد به مثابه شکل و محتوا در اندیشه شعری پاند، موضوعی است که اغلب نقدها و تفسیرهای آثار شعری پاند یا به آن نمی‌پردازند و یا اشاره‌ای کوتاه به آن می‌کنند.

پاند در *درآمدی به طبیعت اقتصادی ایالات متحده* (1944) توجه به پول و اقتصاد را در فهم آثارش به بهترین وجهی توجیه می‌کند:

چهل سال است بر آنم که نه یک تاریخ اقتصادی ایالات متحده و یا هیچ کشوری دیگر، بلکه شعری حماسی بنویسم که در «جنگلی تاریک» آغاز شده، از برزخ اشتباه انسانی عبور کرده و به نور ختم می‌شود... به این دلیل مجبور بوده‌ام ذات اشتباه را بفهمم (1978: 137).

خاستگاه مفهوم «ذات اشتباه» به اقتصاد و پول برمی گردد. این آرزوی پاند برای فهمیدن «ذات اشتباه» بی شباهت با آرزوی آکس دو توکوئل^۵ برای «فهم افسردگی عجیب دموکراسی‌هایی که در میان فراوانی و نعمت‌های بی‌شمار زندگی می‌کنند» نیست (De Tocqueville, 1969: 538). اصرار شدید پاند برای تفسیر اقتصادی معنای تاریخ در آثار منظوم و مثنوی خود، سوء تفاهم‌های بسیاری در پی داشته است؛ به طوری که برخی او را «دشمن پول» خوانده‌اند (Hamilton, 1994: 63). این نگرش قضاوتی عجولانه است؛ چراکه آنچه در اصل پاند با آن دشمنی دارد، نظامی است که در آن افراد خودخواه آزمند هرگز حاضر نیستند زیر بار اتحاد اجتماعی - اقتصادی مبتنی بر عدالت فراگیر بروند. با نیم‌نگاهی به جوامع دموکراتیک سرمایه‌داری که بر خودخواهی‌های مادی بی‌پایان و هوس‌های مهارنشدنی بنا نهاده شده، می‌توان حدس زد که پاند با چه چالش عظیمی روبه‌رو بوده است.

نوع نگاه و رویکرد پاند، باعث شده افکار اقتصادی او مخالفان و منتقدان زیادی داشته باشد. دلیل اصلی انتقادهای این است که پاند در نوشتارها و گفتارهای اقتصادی خود مرتکب اشتباهات زیادی در زمینه‌های نظری و عملی اقتصاد شده است. او به دلیل نداشتن تحسیلات مرتبط و یا اطلاعات کافی و علمی و قاعده‌مند، در کنار انزجار بیش از حدش از رباخواری و نظام ناکارآمد سرمایه‌داری، در دام افکار و نگرش‌های افراطی افتاده است. پاند هم مثل ده‌ها نویسنده و هنرمند دیگر در دهه‌های آغازین قرن بیستم، اندیشه‌های اقتصادی و پولی خود را از اقتصاددانانی نظیر سی‌اچ داگلاس^۶ (۱۸۷۹-۱۹۵۲م) به‌دست آورده بود. داگلاس از منظر نقادی اقتصاد، با تأکید بر بی‌عدالتی‌های موجود، نظریه‌های نوینی به‌ویژه در امر توزیع ارائه کرد. او مرجع مناسبی برای بسیاری از اندیشمندان دیگر حوزه‌های هم‌نسل خویش شد که مصادیق نقدهای او را درون فعالیت‌های خویش بازمی‌یافتند. این‌گونه است که اندیشه‌های مربوط به پول و اقتصاد از فیلتر ذهن خلاق و شاعرانه پاند می‌گذرد و از محتوا به شکل تغییر می‌یابد؛ به آن معنا که چهره‌ای استعاری پیدا می‌کند. البته از نگاهی وراتر، شعر برای بیان نقدها و نظریات اقتصادی و پولی بستر مناسبی است؛ چرا که شاعر با

کمترین واژه‌ها بیشترین و بزرگ‌ترین معناها را می‌آفریند. او از عدالت در گفتار و نمایاندن حقیقت آگاهی بسیار زیاد دارد و مس و واژه‌ها را به کیمیای معنا مبدل می‌کند.

بحث در باب خاستگاه‌های اندیشه‌های اقتصادی پاند را می‌توان با رابطه عجیبی که میان نام او و اندیشه‌های اقتصادی و زندگی شاعرانه‌اش وجود دارد آغاز کرد. نام او همچون نفرین و طعنه‌ای عجیب بر وجودش سایه افکنده است. نام خانوادگی او یعنی پاند، اشاره‌ای دائمی است به مشکلات مالی همیشگی او در زندگی‌اش و نام کوچک او یادآور فرهنگی (سامی) است که از آن دل خوشی نداشت و پیوسته در تلاش بود تا از آن بگریزد. به قول ماد المن^۷، «عجیب است که نام پاند نام یک پیامبر یهودی است» (26: 1979)؛ نامی که پاند از تداعی‌های آن بیزار بود. برای مثال، می‌توان به چهل و پنجمین کانتو در **کانتوها** اشاره کرد. نام این کانتو "With Usura" (با ربا) است.

usura که شکل استحال‌یافته usury است، بی‌شک یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم اقتصادی-فلسفی-شعری **کانتوها** به‌شمار می‌آید و از نظر آوا و تلفظ، بسیار به نام کوچک پاند یعنی Ezra نزدیک است و این خود کنایه‌ای بزرگ است. خود پاند به نام خود و تداعی‌های تقدیرگونه آن آگاهی کامل داشت و در موقعیت‌های مختلف به آن اشاره می‌کرد. اندرو راس^۸ با نقل یکی از گفته‌های پاند این موضوع را تأیید می‌کند:

«مشکل، بیش‌رویی نویسنده در زمانه ما ££££££££££££££££ است.» (135: 1984).

حساسیت‌های اقتصادی و پولی پاند از سنین کودکی او آغاز شد. شاید باور آن سخت باشد، ولی او در شش سالگی (۱۸۹۲) زمانی که متوجه می‌شود گروور کلیولند^۹ در انتخابات ریاست جمهوری، بنجامین هریسون^{۱۰} را شکست داده است، با عصبانیت و به نشانه نارضایتی صندلی کوچک چوبی خود را به وسط اتاق پرتاب می‌کند. خود پاند در این مورد چنین می‌گوید: «ترسم از آن بود که پدرم شغلش را از دست بدهد و ما گرسنه بمانیم.» (32: 1974). سال‌ها بعد، پاند با انرژی‌ای باورنکردنی و جدّیتی مثال‌زدنی به مسائل اقتصادی در شعر و سایر آثار خود می‌پردازد. این حساسیت و عدالت‌خواهی معادل و همزاد خود را در حساسیت فوق‌العاده پاند در شعر و زبان شعر می‌یابد: در دقت و وسواس بی‌نظیر در انتخاب و اندازه‌گیری واژه‌ها و اینکه چه واژه‌ای درست و مناسب، و چه واژه‌ای نادرست و نامناسب است. پاند نیز همچون پدرش

مدتی در ضرب سکه و اسکناس خزانهداری آمریکا کار می‌کرد. بنابراین، او می‌بایست تجربه و اطلاعات بسیار گرانمایی در مورد پول و رمز و راز آن کسب کرده باشد. اما موضوع از این بسی فراتر می‌رود. به قول پاتریشیا هاجینز^{۱۱}، «در آن اتاق‌های خلوت و آرام ضراب‌خانه، نویسنده آینده به جزئیات علاقه نشان می‌داد و خود را به‌عنوان متخصص و محک‌زنی از نوع دیگر آموزش می‌داد: متالوژی واژه‌ها و اندیشه‌ها.» (Ibid, 30).

مواردی که تا کنون به آن‌ها اشاره شد، نباید هرگز باعث ایجاد این تفکر شود که فقط مسائل و مشکلات شخصی و یا خانوادگی پاند منشأ اندیشه‌های اقتصادی او است؛ بلکه نگاه نقادانه او به پول و اقتصاد، سرچشمه‌های دیگری نیز دارد. او در مقاله‌ای با عنوان «قتل با سرمایه»^{۱۲} (1933) این مطلب را به‌روشنی بیان می‌کند:

در شرایط موجود گرچه فربه نشده‌ام، اما به طرز خطرناکی به آن سمت رفته‌ام. شخصاً هیچ شکایتی ندارم. آن‌قدر قوی بودم که بتوانم از فشار ربا فرار کنم و یا در برابرش طاقت بیاورم. این سؤال به‌وجود می‌آید که پس چرا شخصاً تشنه خونم؟ تشنه خونم از آن‌رو که دیده‌ام در روزگار ما چه بلایی بر سر هنر آمده (1978: 99).

در اینجا با انگیزه‌های روشنی از مبارزه با بی‌عدالتی‌های اقتصادی با محوریت «ربا» (1951: 427) روبه‌رو می‌شویم. به عبارت دیگر، علاقه پاند به اقتصاد و نقادی آن، واکنشی بوده به تهدیدی که از سوی نظام اقتصادی کاپیتالیسم مدرن متوجه اشرافیت فرهنگی و ادبی است؛ لایه‌ای که پاند می‌پنداشت به آن تعلق دارد. هنرمندان تحمل فقر و گرسنگی را دارند؛ اما آنچه پاند از آن می‌ترسید، نابودی کامل هنرمندان و شاعران بود. پاند در مقاله «قتل با سرمایه» آشکارا بیان می‌کند که علاقه به اقتصاد و جنگیدن در جبهه اقتصادی قابل تشبیه به نبرد خیر علیه شر است: «هنرمندان آتن‌های گیرنده قوم‌اند. تأثیرات شر و فساد اجتماعی را می‌توان نخست در هنرها مشاهده نمود. ریشه اکثر شرها و مشکلات اجتماعی، اقتصادی است. من شخصاً هیچ شر اجتماعی را نمی‌شناسم که درمان اقتصادی نداشته باشد.» (1978: 199). دغدغه اصلی پاند به طور عام، رسیدن به عدالت اقتصادی در سطح وسیع، و به طور خاص، نجات هنر و

هنرمندان و شاعران است. این گونه است که عدالت شاعر در انتخاب، توزیع و به کار بستن واژه‌ها در زبان، مدلی استعاری برای عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌شود. در ادامه پاند تصویری کلی از طرح اقتصادی خود ارائه می‌دهد؛ طرحی که در آن نقشی از پول معرفی شده است که هم ناظر بر واقعیتی روزمره و مادی است و هم حضوری استعاری در زبان دارد:

Baldy Bacon
bought all the little copper pennies in Cuba:
Un centavo, dos centavos
told his peons to "bring 'em in."
"Bring 'em to the main shack," said Baldy,
And the peons brought them;
As Henry would have said.
Nicholas Castano in Habana,
He also had a few centavos, but the others
Had to pay a percentage.
Percentage when they wanted centavos,
Public centavos.
Baldy's interest
Was in money business
"no interest in any other kind of bisnis,"
Said Baldy (1993: 53)

در این بخش از *کانتوها*، پاند از بالدی بیکن، تاجر آمریکایی، سخن می‌گوید که او را حدود سال ۱۹۱۰م دیده بود. کار بالدی بیکن این بود که توسط آدم‌هایش سکه‌ها و پول‌های مختلف را از بازار جمع کند تا کمبودی کاذب در بازار به وجود آید، سپس همان پول‌ها را به چند برابر قیمت، بدون کوچک‌ترین زحمتی بفروشد. از این عمل در شعر به Money Business یاد می‌شود؛ عملی ضد اقتصادی و ضد اخلاقی که ظاهری اقتصادی دارد. این گونه واسطه‌گری، عملی کاملاً غیرانسانی و غیراخلاقی است. این مثال در نظر پاند، معادل نوع دیگری از واسطه‌گری، یعنی استفاده غلط از زبان است؛ آنجا که واژه‌ها در جای خود نمی‌نشینند و واژه‌های غیرضروری که مانع از فهم می‌شوند، مورد استفاده قرار می‌گیرند. دوره‌های مختلف شعری مانند Imagism و Vorticism در زندگی شاعرانه پاند، همگی جست‌وجویی بی‌وقفه برای دست یافتن به زبانی بی‌واسطه است.

زندگی و فعالیت پاند هم در عرصه اجتماعی و هم در حوزه شعر سرشار از کنش‌های متعدد با مفاهیم و مصادیق پول و اقتصاد است؛ آن‌قدر عمیق که همچون ریشه‌ای به بدنه زیبایی‌شناسی شعر او پیوند دارد و تصور جداگانه این دو در آثارش ناممکن است.

زیبایی‌شناسی اقتصادی شعر پاند

تعریف پاند از شعر حماسی، درآمد مناسبی برای ورود به جنبه‌های زیبایی‌شناسانه شعر او از دیدگاه اقتصاد است: «حماسه شعری است که تاریخ را دربرمی‌گیرد.» (1968: 86). این گفته به این معناست که بین شعر و تاریخ رابطه‌ای عمیق و ناگسستنی هست. پاند در جایی دیگر می‌نویسد: «بدون فهم اقتصاد، انسان از فهم تاریخ ناتوان خواهد بود.» (1978: 293). با کنار هم گذاشتن این دو نکته می‌توان به دیدگاه پاند درباره پول و اقتصاد در شعر پی برد. پاند در این دو گفته، معادله‌ای ارائه می‌دهد که در یک‌سوی آن تاریخ (استعاره‌ای برای کل زندگی بشر در تمام دوران‌ها در پهنه گیتی) و در سوی دیگر آن عنصر آشنای اقتصاد است. به این ترتیب، پاند به‌روشنی از خواننده خود برای فهم شعر در سایه تاریخ دعوت می‌کند. پاند در *کانتوها* گاه تا آنجا پیش می‌رود که مرز بین شعر و پول و اقتصاد غیر قابل تشخیص می‌شود. کانتوی ۹۷ آنجا که پاند به *تاریخ نظام‌های پولی* (1896) الکساندر دل مار اشاره می‌کند، نمونه‌ای بسیار خوب است:

*f. s. d. as from Caracalla,
Venice, Florence, Amalfi maintained 12 to 1 ratio,
one gold against that in silver,
f. s. d. from Caracalla
first fish & vadmál or cloth money, then "baug" rings
pseudo roman, and then, later, moslem
dinars, maravedis,
kelt coin & norse "herring", 8 stycas: one scat
and in 1914 british sovereigns
poured into the Philadelphia mint in grea?quantity
and were promptly restamped with eagles.
Coins struck by Coeur de Lion in Poitou,
Caxton or Polvdore. Villon: "blanc".
a gold ~acchuso n your abacus,
Henry Third's second massacre, wheat 12 pence a quarter*

that 6 41th~ pund of bread be a farden
Act 5 1, Henry Three. If a penny of land be a perch
that is g"r ammar
nummulary moving toward prosody (1993: 669-671)

در اینجا شعر به یک رشته اشارات اقتصادی تبدیل شده است که از قبل در شعر بوده و بعد هم ادامه خواهد داشت. پاند به طور فشرده به انواع پول (Dinars, Maravedis, Kelt coin, Norse Herring, Sovereigns) در نظام‌های مختلف اقتصادی در غرب و شرق اشاره می‌کند. او گونه‌های مختلف پول را در کنار اسامی شخصیت‌های تاریخی قرار می‌دهد و از خواننده می‌خواهد از این اشارات رمزگشایی کند تا آنچه را که پاند درباره پول در تاریخ بشر می‌داند، او هم بداند. روش اصلی پاند، نمایاندن خیر و شر اقتصادی و اخلاقی در دوران‌های مختلف تاریخی آن‌هم در نهایت ایجاز است. با ارائه چنین تقابلی، از خواننده انتظار می‌رود بیندیشد، تحلیل کند و به نوعی روشنگری برسد. همدوش با نشان دادن اقتصاد از دیدگاه تاریخی، برای پی بردن به مفهوم عدالت در نظام‌های مختلف بشری، شاعر را می‌بینیم که با وسواس و دقت بسیار مشغول انتخاب و توزیع درست و عادلانه واژه‌ها در شعر خویش است تا حقیقت از خلال آن‌ها رخ بنماید و بدرخشد. در ارتباط با همین است که در پایان بخش نقل‌شده، با ظرافت تمام بوطیقای شعری خود را عرضه می‌کند؛ به این معنا که پول و شعر را در ذات با هم یکی می‌داند؛ همان گونه که والاس استیونز، شاعر آمریکایی، نیز آن‌ها را همذات می‌داند و از یک جنس می‌پندارد: «پول نوعی شعر است.» (Herbert and Hollis, 2000: 60). در خط آخر این کانتو پاند آشکارا اظهار می‌کند «پول به سوی عروض در حرکت است». واژه Nummulary یعنی پول یا مربوط به پول و واژه Prosody هم به معنای عروض است. ریشه این واژه خود مشتمل بر دو کلمه است که اولی به معنای ترانه و آواز و دومی به معنای درآمد و اجاره‌بهاست. بنابراین، تأکید پاند بر هم‌گرایی و هم‌جنسی پول و شعر است و اینکه آن دو دارای ذاتی واحدند. برای فهم دقیق‌تر این ادعای پاند باید گفت واژه انگلیسی Poetry که به معنای شعر است، از ریشه یونانی Poesis به معنای ساختن و تولید گرفته شده و یکی از مهم‌ترین و مشهورترین مفاهیم اقتصادی است. چنین نگاهی به

شعر را در کمتر شاعری در میان دوستان و هم‌نسلان پاند می‌توان یافت. اعتقاد به این موضوع در نظر پاند، ملاکی برای تشخیص شاعر خوب از بد است.

در اندیشه پاند، بین شعر و اقتصاد و مسائل اقتصادی پیوند بسیار عمیقی وجود دارد؛ به‌طوری‌که شعر بد و اقتصاد بد به‌عبارتی از یک جنس‌اند تا آن حد که حضور یکی نشانه‌ای برای حضور دیگری است. با شدت یافتن گرایش‌های اخلاقی پاند، توجه او بیشتر و بیشتر به مفهوم عدالت و بی‌عدالتی معطوف شد. شاید بهترین گواه این مدعا تأکید او بر واژه کلیدی Equity است که به معنای قاعده انصاف و تساوی است. برای مثال، پاند در حوزه سیاست و اقتصاد به ما می‌آموزد که «سود شخصی به معنای موفقیت و سعادت‌مندی نیست بلکه گنجینه یک ملت، قاعده انصاف آن ملت است.» (1936: 112). ابتدایی‌ترین معنای Equity رعایت کردن کامل انصاف و عدالت در مبادله کالا، عرضه اعتبار و غیره است. به این ترتیب، Equity اصلی اساسی در تعادل و تقارن هنری و ادبی است. پاند در کتاب خاطراتش در مورد گودیر-برزشکا وقتی ویژگی‌های بنیادین تصویر^{۱۳} و زیبایی‌شناسی تصویر در شعر را نشان می‌دهد، اصل انصاف و تساوی را در ذهن داشته است: «منظورم از تصویر یک چنین معادله‌ای است، نه یک معادله ریاضی، نه چیزی درباره آ، ب، و یا ث که به مفهوم شکل مربوط می‌شود، بلکه رابطه و معادله‌ای میان دریا، صخره، شب، و حالت ذهنی و روحی.» (1970: 106). پس Equity در اینجا رابطه‌ای دقیق و مهندسی‌شده میان تصویری که چشم ذهن ادراک می‌کند و حالت روحی و ذهنی ناشی از آن است. با توجه به آنچه تا به حال در مورد مفهوم Equity گفته شد، طبیعی است که در حوزه اخلاق اقتصاد و زیبایی‌شناسی، گردن نهادن به قوانین مربوط به Equality به پدید آمدن هنر بد، غیرعادلانه و نامتعارف از یک‌سو و اقتصاد بد (مبتنی بر ربا)، غیرعادلانه و نامتعادل از سوی دیگر منجر می‌شود.

پیوند بسیار نزدیک میان شعر و اقتصاد را در نظر پاند و اینکه تا چه اندازه ارزش‌های موجود در هر یک از این حوزه‌ها قابل انتقال به یکدیگرند، می‌توان در تصویر Thickening (به معنای کلفت، قطور و نیز کند شدن) به‌وضوح و به‌راحتی مشاهده کرد. معمولاً پاند این تصویر را به‌مثابه استعاره‌ای برای پیوند ناگسستنی میان

شعر، زیبایی‌شناسی شعر و اقتصاد ارائه می‌کند. برای مثال، پاند در شعر "Mauberley" که نخستین حمله علنی او به ربا و رباخواران است، از تصویر Thickening استفاده می‌کند. برای نمونه آنجا که می‌گوید: کهنه سربازان خانه می‌آیند تا ببینند نیزنگ/ خانه می‌آیند تا ببینند دروغ‌های کهنه و رسوایی‌های نو/ ربا را که پیرسال است و ضخیم و گرفته از سال/ و دروغ‌گویان را در مکان‌های عمومی (1977: 100).

پاند در یکی از مهم‌ترین کانتوهای خود چنین می‌گوید: با ربا خط ضخیم و گرفته می‌شود/ با ربا هیچ مرز مشخصی وجود ندارد (1993: 229). منظور اقتصادی پاند از «خط» در اینجا خط «از تولید به مصرف» است؛ به این معنا که کالاهای تولیدشده و ضروری مردم به دلیل وجود رباخواران و واسطه‌های آزمند و بی‌رحم یا هرگز به دست مصرف‌کننده نمی‌رسد و یا به چندبرابر قیمت به مردم عرضه می‌شود. در بعد زیبایی‌شناسی هم خط و ضخیم شدن آن، به تأثیر منفی اقتصاد بد و غلط بر هنر و هنرمند و شاعر اشاره دارد (خطی که شاعر روی کاغذ می‌نویسد). در کانتویی دیگر پاند چنین می‌گوید: سال ۱۵۲۹. از آن پس هنر ضخیم و گرفته شد/ از آن پس طرح راهی جهنم شد (Ibid, 234). در این نقل‌قول نیز پاند به این اشاره می‌کند که در دوران پسالوتری^{۱۴} با ویژگی‌هایی که تبلورش را در افرادی مثل ویلیام پترسون^{۱۵} می‌بینیم، زندگی به طور عام و هنر و ادبیات به طور خاص رو به تباهی حرکت می‌کند. معادل دروغ و فریب در حوزه اقتصاد، تحریف واژه‌ها، کژتابی در زبان و ابهام در گفتار و نوشتار است. چنین است که پاند هم در حوزه پول و اقتصاد و هم در شعر و هنر، صداقت و عدالت را می‌پسندد. همان طور که دروغ در عرصه زبان، مدلول یا مابه‌ازای خارجی در دنیای واقعیت مادی ندارد؛ در عرصه پول و اقتصاد هم بهره و یا ربا نماد اسکناس‌ها و کاغذهای قابل تعویضی است که در واقعیت و طبیعت مادی مابه‌ازای کالایی ندارد. به این ترتیب در نظر پاند، بهره بیش از اندازه یا ربا معادل جعل کردن است و این‌گونه است که ربا در اقتصاد جفت و معادلی برای دروغ و دروغ‌زنی در حوزه زبان می‌شود:

طلا ماندگار است - اما تولید مثل نمی‌کند - حتی اگر دو تکه طلا را یکی به شکل خروسی و دیگری را به شکل مرغ کنار هم بگذاریم. بی‌معنا است اگر تصور کنیم

که طلا میوه و یا بهره می‌دهد. طلا مانند جو و گندم رشد نمی‌کند و زیاد نمی‌شود. اگر آن را این‌گونه نشان دهیم دروغ گفته‌ایم. این یک دروغ و کژنمایی است و عبارت جعل کردن یا سکه تقلبی زدن از اینجا ریشه می‌گیرد (1978: 318-319). همان‌طور که جعل و کژتابی در حوزه اقتصاد بد و نکوهیده است، در زبان به‌طور عام و در زبان شعر به‌طور خاص نیز چنین وضعیتی دارد؛ به این معنا که واژه‌های زبان هم نباید هرگز دچار کژتابی شوند و در دالتهشان خلل و نقصانی پیش‌آید. واژه‌ها باید به روشن‌ترین شکل ممکن به مفاهیم و چیزها اشاره کنند. به همین دلیل است که پاند می‌گوید: «اگر ایده‌ها را از هم تفکیک نکنیم و برای هر یک چیز یا مفهوم یک برچسب نداشته باشیم، همیشه در حالتی از آشوب و هرج‌ومرج به‌سر خواهیم برد.» (Norman, 1969: 333). در جایی دیگر با وضوح و تفصیل بیشتری به این موضوع می‌پردازد:

اگر هر واژه فقط معنای خاصی ندهد و اگر تلاشی برای اتحاد چیزهای متفاوت را، هر چه هم که این تفاوت ناچیز باشد، کنار نگذاریم اندیشه متافیزیکی‌اش در هم جوش خواهد شد. واژگان ضعیف و بی‌دقت چیزی نیستند مگر تعداد بی‌شماری از تعاریف معمولی غیرمشخص و غیرقطعی (1935: 389).

البته قضاوت در مورد اینکه پاند در آثارش به ویژگی‌ای دست یافته است، مجال دیگری می‌طلبد؛ اما آنچه در اینجا اهمیت دارد این است که این آرمان زبانی و شعری، بازتاب ادبی آرمان‌های او در حوزه عدالت اقتصادی است. پاند در یکی دیگر از گفته‌هایش در زمینه آرمان شعری‌اش که بر رابطه میان شعر و اقتصاد استوار است می‌گوید: «راه تشخیص شاعر واقعی از شاعر دروغین استفاده اولی از ساده‌ترین بیان است و پرهیز از به‌کارگیری صفت.» (1910: 208). استفاده از «ساده‌ترین بیان» به این معناست که بین خط تولید و مصرف، یعنی بین نویسنده تا خواننده، واسطه‌ای وجود ندارد تا اندیشه به‌گونه‌ای تحریف‌شده و پیچیده به خواننده برسد. این واسطه در زبان همان صفت است. تیز کردن و ظرافت بخشیدن به واژه‌ها، نیاز همیشگی شاعر است تا آنجا که واژه در دام دلالت‌های ضمنی غیردقیق و بی‌ربط نیفتد و کند و مبهم نشود. همچنین شاعر باید مراقب باشد واژه دچار احساسات ضخیم و گرفته و غیردقیق نشود.

تصویر گل که پاند از آن بسیار استفاده می‌کند، تداعی گر ضخامت پیدا کردن و گرفتگی (برای مثال در آب باران) است.

بدیهی است که ربا و رباخواری موجب اختلال و گرفتگی در همه جنبه‌های زندگی بشر می‌شود. پاند هم در کانتوی ۳۴ و هم در کانتوی ۴۶ به گفته معروف ناپلئون در مورد گل اشاره می‌کند. آنجا که ناپلئون گل را در کنار عناصر چهارگانه آب، آتش، خاک و هوا می‌نشاند و از آن به «عنصر پنجم» یاد می‌کند: عنصر پنجم: گل (1993: 166 & 259). همان طوری که گل، به اعتقاد پاند، باعث شکست ارتش ناپلئون شد، اقتصاد غلط، ناعادلانه و ربامحور نیز باعث تضعیف و شکست شعر می‌شود. البته این موضوع دارای دو جنبه است: جنبه اول حضور بیرونی پول و اقتصاد در نسبت با شعر در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی زندگی بشر و تأثیر آن بر مناسبات میان شعر و این عرصه‌هاست. این همان فشاری است که اقتصاد و مسائل مربوط به آن از بیرون بر شعر و شاعر وارد می‌کند. نمونه‌ای خوب برای این فشار و تأثیرات ویرانگر آن بر نویسنده و شاعر در جمله هرمان ملویل^{۱۶} (۱۸۱۹-۱۸۹۱م) کاملاً مشهود است: «دلارها مرا نفرین کرده‌اند... تمام آثارم شکست خورده‌اند.» (Fiedler, 1981: 5). پاند از این جنبه و از این نوع فشارها به‌خوبی آگاه بود و فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی‌اش از جمله کمک به شاعرانی همچون الیوت و جویس، گواه این مدعاست. جنبه دوم، حضور پول به‌مثابه استعاره‌ای درون زبان است و از آن می‌توان با نام «دشمن در خانه» یاد کرد. از ساموئل تیلور کالریج^{۱۷} (۱۷۷۲-۱۸۳۴م) که می‌گوید «اقتصاد و ادبیات دارای یک ذات‌اند» (Watts, 2003: 336-337) تا فردیناند دو سوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳م) که برای توضیح و تبیین ارزش واژه‌ها به دلار و پول متوسل می‌شود (Leitch Et al, 2001: 969)، اعتقاد به حضور استعاری فراگیر پول در زبان به‌روشنی دیده می‌شود.

پاند از این حضور بیرونی و درونی پول در تمام شئون زندگی بشر به‌خوبی آگاه بود. او به‌رغم احترامی که برای ناپلئون قائل بود، آرزو داشت که او از اقتصاد کمی سر رشته داشت و آن را می‌فهمید: بنیارت... از اقتصاد و تجارت هیچ نمی‌دانست (1993: 156). یادآوری این نکته ضروری است که آنچه مانع از پیشروی ارتش ناپلئون و سرانجام باعث شکست او شد، برف سنگین و سرمای کشنده بود. ولی پاند عامل

اصلی شکست ناپلئون را گِل می‌داند و یا باز به قول خود ناپلئون و از نظر پاند، عامل اصلی شکست، «لیگ شپش‌ها» یعنی رباخواران سراسر اروپا بوده‌اند (Ibid, 249). بنابراین، فهم ناقص ناپلئون از اقتصاد و مسائل مربوط به آن با استعاره گِل تناسب دارد؛ زیرا این تصویر به گِل آلود کردن آب در همه جا توسط رباخواران برای به‌دست آوردن سود بیشتر اشاره دارد. بنابراین تعجبی ندارد، اگر فهم گِل آلود ناپلئون باعث شکست و سقوط او شود. پاند سقوط شخصیت‌های بزرگ و پراقتداری همچون ناپلئون را برابر با سقوط شعر و هنر و نیز حمایت از شاعران و هنرمندان می‌داند. همین گِل و گِل آلودگی ناشی از ربا و رباخواری است که موجب نابودی شعر و هنر می‌شود. در کانتوی ۴۵ می‌خوانیم: ربا زنگاری است که قلم هنرمند را می‌پوشاند (Ibid, 230). در اینجا است که تقابل میان رباخوار بی‌احساس و هنرمند ظریف نازک‌دل قابل فهم‌تر می‌شود. منظور پاند از اینکه ربا باعث فرسودگی و کندی قلم هنرمند می‌شود (در اینجا منظور از قلم، هم قلم مجسمه‌ساز است و هم قلم شاعر) این است که به‌ویژه در دوران‌هایی که ربا و رباخواری رواج بسیار دارند، قلم هنرمند زنگار می‌گیرد و کیفیت هنرش به شدت تنزل پیدا می‌کند. این تعبیر پیوند میان شعر و هنر را از یک‌سو و پول و اقتصاد را از سوی دیگر به‌روشنی بیان می‌کند.

پاند در جای‌جای آثار منظوم و منثور خود از هر فرصتی برای حمله به ربا و رباخواری استفاده می‌کند. البته ذکر این نکته ضروری است که هر جا سخن از ربا به میان می‌آید، در تقابل با شعر، هنر و فرهنگ است و گرنه قصد پاند هرگز ارائه تفسیرهای اقتصادی صرف نیست. در کتاب معروف پاند یعنی *راهنمای فرهنگ*^{۱۸} (1952) ردّ پای این دغدغه اصلی او را همواره مشاهده می‌کنیم. برای مثال، در این کتاب آمده است «ربا همیشه در تلاش است تجارت و بازرگانی رباخوارانه را جایگزین هنر نماید و طرح هنری را که هزینه‌ای ندارد از بین ببرد... و ثروت مادی صرف را ملاک اصلی همه چیز قرار دهد.» (282). پاند با وارد کردن بحث‌های پولی و اقتصادی در شعر و هنر در دهه‌های آغازین قرن بیستم، آگاهی بزرگی در میان اکثر شاعران و هنرمندان اروپایی و آمریکایی پدید آورد. این اثرگذاری و ایجاد آگاهی را می‌توانیم، برای مثال، در یکی از نامه‌های او به لویس زوکاوسکی^{۱۹} (۱۹۰۴-۱۹۷۸م)

بینیم. او در اینجا به روشن‌ترین شیوه ممکن، درهم‌تنیدگی شعر و اقتصاد را بیان می‌کند: «شعر من و اقتصاد من نه جدای از هم‌اند و نه در تقابل با هم.» (Norman, 1969: 333).

برون‌دادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در زندگی پاند

سمت و سوی جریان فکری ذکرشده و زیبایی‌شناسی به‌دست‌آمده، با نگاهی به بوطیقای پاند آشکارتر می‌شود. پاند نظام اقتصادی عاقلانه و عادلانه را شرط لازم برای فضایی عاقلانه و عادلانه برای آفرینش شاعرانه و هنری می‌داند. او در *کانتوها* به طور دقیق به همین موضوع می‌پردازد. پاند با درنوردیدن زمان و مکان و ارائه شواهد و گواه بسیار، از نظام‌های اقتصادی عاقلانه مختلفی نام می‌برد که در آن شاعر و هنرمند با امنیت خاطر و با کمترین دغدغه به آفرینش آثار بزرگ می‌پردازد. در مقابل، نظام‌های جهنمی و غیرعقلانی اقتصادی روزگار خود را نمایش می‌دهد که در آن به دلیل فقدان عقلانیت پولی و اقتصادی، هنرمند و شاعر چاره‌ای جز سوختن و ساختن ندارد. پاند رسالت اصلی خود را در مقام شاعر و هنرمند، جست‌وجو و یافتن مثال‌های جنون اقتصادی فراگیر می‌داند؛ زیرا به زعم او، جنون اقتصادی یعنی رکود هنری و شعری، و از اینجاست که او به برون‌دادهای این نگرش در همه ابعاد زندگی‌اش می‌اندیشد. در جایی به زیبایی و در قالب معرفی خود، به این رسالت اشاره می‌کند: «ازرا پاند. فوق لیسانس، ورتیسیست... سرگرمی‌ها: شمشیریازی، تنیس و جست‌وجوی زمانه برای شواهد و مثال‌های حماقت تقریباً باورنکردنی.» (Lipke and Rozram, 1966: 201).

پاند در آثار مختلف خود نمونه‌های بی‌شماری از این حماقت و جنون باورنکردنی در جامعه را نشان می‌دهد. مقاله‌ای به نام "An Anachronism of Chinon" (1917) یکی از نمونه‌های خوب در این زمینه است. این مقاله گفت‌وگویی تخیلی میان فرانسوا رابله^{۲۰} (۱۴۱۴-۱۵۵۳م) و دانشجوی جوان آمریکایی است. پاند در اینجا به دنبال نشان دادن حماقت‌های اقتصادی- فرهنگی دوران و کشور خود است؛ جایی که سکه قلب‌شده دروغ، حقیقت را کنار زده است. دانشجوی جوان به‌رغم داشتن همه نوع امکانات مادی و معنوی، به جهل خود اعتراف می‌کند. دانشجوی آمریکایی شعری

را از شاعری یونانی به رابله نشان می‌دهد و او شروع به خواندن می‌کند. دانشجو می‌گوید: «من تحصیل کرده‌ام و خیلی بیشتر از یک فارغ‌التحصیل می‌دانم. اما اعتراف می‌کنم که قادر به ترجمه این شعر نیستم.» رابله با تعجب می‌پرسد: «محض رضای خدا در دانشگاه به شما چه یاد داده‌اند؟! دانشجو هم در پاسخ می‌گوید: «علیرغم مانع‌تراشی و ایجاد انحراف از سوی دانشگاه، خود توانسته‌ام کتاب‌های بسیاری بخوانم.» (17: 1917). واضح است که منظور پاند از چنین گفت‌وگویی، نشان دادن بی‌عقلی و جنون بی‌معنا در نظام آموزشی دانشگاه‌های آمریکاست؛ جایی که پول و هزینه بسیاری صرف می‌شود تا بی‌سوادی و جهل تولید شود. به همین دلیل است که دانشجو در جایی دیگر چنین می‌گوید: «بشریت گله‌ای است که حماقت‌های مختلف همچون خوره‌ای به جانش افتاده است. در هر دوره‌ای چند نفر جان سالم به در می‌برند؛ اما بقیه افراد وحشی و جاهل باقی می‌مانند.» (Ibid, 19). واضح است که در نظام آموزشی‌ای که دانشگاهش چنین است و همه ارزش‌های آن واژگون شده، اقتصاد و هنرش به چه وضعی خواهد بود. پاند بر این باور است که حل مشکلات اقتصادی و به دنبال آن بهبود اوضاع شعر و هنر نه تنها دشوار نیست؛ بلکه کاری است بی‌نهایت آسان و دست‌یافتنی به شرط آنکه همه حاضر شوند مسائل را همان‌گونه که هست، بنمایانند و راجع به آن‌ها به سادگی و روشنی سخن بگویند. برای نمونه، می‌توان به این گفته خود پاند اشاره کرد: «با ارائه تعریفی دقیق و روشن از پول و با کسب فهمی روشن از ماهیت پول می‌توان از سال‌ها حماقت و پریشانی اقتصادی جلوگیری کرد.» (1978: 293). آن بهشت اقتصادی‌ای که پاند در *کانتوها* ترسیم می‌کند، بر چنین وضوح و عقلانیتی استوار است.

توجه به مسئله عقلانیت و مبارزه با جنون اقتصادی در نظر پاند، به تدریج رنگ و سواس شدید به خود می‌گیرد. وسواسی که به‌ویژه در دهه سی، خود به نوعی جنون مبدل می‌شود. شاید کمتر کسی از این موضوع آگاه باشد و آن اینکه پاند در سال ۱۹۳۳م دعوت یک دانشگاه ایتالیایی را برای ایراد سلسله سخنرانی درباره موضوعات اقتصادی پذیرفت. در همان سال با موسولینی ملاقاتی داشت تا پیشنهادهای خود را درباره اصلاحات پولی و اقتصادی با او در میان بگذارد. پاند در نگرش‌های وسواسی

اقتصادی خود تا آنجا پیش می‌رود که تصور می‌کند جویس از واقعیت‌های اقتصادی زمان خویش دور است و به همین دلیل او را بسیار مورد انتقاد قرار می‌دهد:

اگر از من سؤال کنید که آیا جویس در سال ۱۹۳۳ نسبت به دنیای واقعیت و مسائل زمانه خود آگاه است یا خیر، دنیایی که در آن تکنوکراسی همه معادلات پیشین را بر هم زده و همه حساب و کتاب‌ها را غیر از حساب و کتاب‌های سی اچ داگلاس به هم ریخته، دنیایی که در آن شبکه بانک‌های فرانسوی و فروشندگان بین‌المللی اسلحه و مهمات در حال شناخته شدن هستند... باید پاسخ دهم که آقای جویس در جهل به سر می‌برد و نسبت به این مسائل توجهی ندارد (Stock, 1964: 394).

این آغاز روندی است که بسیاری از نزدیک‌ترین دوستان پاند را رنجاند و از او دور کرد. نمونه دیگر این نوع آفات دوستی، برخورد پاند با لوئیس زوکافسکی است. استاک چنین می‌گوید:

وقتی زوکافسکی به اندیشه‌های اقتصادی پاند پاسخ مساعد نداد و اظهار کرد که آن‌ها نمایانگر عدم اطلاعات کافی پاند هستند، او رنجید و زمانی که زوکافسکی چند شعر خود را برای پاند فرستاد تا نظر بدهد، پاند در پاسخ گفت که گلچین شعر بعدی او حاوی شاعرانی خواهد بود آگاه از مسئله اقتصاد و پول و نیز اینکه زوکافسکی در این مجموعه جایی ندارد (Ibid, 397).

در جایی دیگر، یعنی در گفت‌وگویی میان دونالد پیرس^{۲۱} و پاند می‌بینیم که حتی دابلیو بی ییتس^{۲۲} (۱۸۶۵-۱۹۳۱م) هم از خشم پاند در امان نیست:

«احتمالاً این تنها چیزی نبود که ییتس از شما یاد گرفت، جناب پاند.»

«خوب می‌دانید، چیزهایی بود که ییتس هرگز نمی‌توانست یاد بگیرد.»

«آقای پاند می‌توانند مثالی ذکر کنند؟»

«او پول را نمی‌فهمید.»

«نه در مقام سناتوری و یا حتی در کسوت کارگردان تئاتر؟»

او نگاه تندی به من کرد و با حالتی تحقیرآمیز پاسخ داد: «منظورم سر و کار داشتن با یک مشت رسید، پول و این‌جور چیزها نبود. منظورم نقش پول در تاریخ بود.

[مکث] و این موضوعی بود که، تا آنجا که به من مربوط می‌شود هرگز تونل‌های

تاریک مغز ییتس را روشن نکرد.» (Pearce, 1989: 271).

این نقل قول‌ها، وسواس و تمرکز شدید پاند را روی موضوع پول نشان می‌دهند. همان گونه که بیشتر اشاره شد، اوج این توجه و تمرکز در دهه سی قرن بیستم مشاهده می‌شود. در این دهه، او نتیجه می‌گیرد فقط آن دسته از آثار ادبی و هنری ارزش خوندن دارند که به موضوع پول و اقتصاد می‌پردازند. در نظر پاند، هر شاعر و هنرمندی که به موضوع پول چه به مثابه محتوا و چه به مثابه شکل یا استعاره بپردازد، بزرگ است. به همین دلیل است که در یکی از نامه‌هایش می‌گوید: «اقتصاد همیشه در بزرگ‌ترین شعرها حضور داشته است.» (1951: 386). استاک نیز بر این گفته‌ها صحه می‌گذارد: «به نظر می‌آمد که پاند به چهره‌هایی مانند هومر، دانته و شکسپیر علاقه داشت؛ چون خود را متقاعد کرده بود که آنان شاعران - اقتصاددانان واقعی بودند.» در جایی دیگر می‌خوانیم: «نظر پاند در مورد یک نویسنده غالباً منوط به این بود که آن نویسنده در آثارش نامی از پول و اقتصاد می‌برد یا خیر.» (Stock, 1964: 437). به هر ترتیب، این همه اصرار و تأکید پاند بر پول و اقتصاد به گونه‌ای جدی و غم‌انگیز، عمل و حرکتی غیراقتصادی در حوزه معاشرت‌ها و دوستی‌های او با دیگران بود؛ چراکه روش تهاجمی او باعث می‌شد تا روابط او با بسیاری از دوستانش به سردی گراید.

درست است که تأکید و توجه پاند به پول چهره‌ای ناخوشایند به خود می‌گیرد؛ ولی نباید از این نکته غافل بود که این همه توجه، ناشی از نوعی استیصال مبتنی بر آگاهی از واقعیت‌های دنیای اقتصاد سرمایه‌داری و نیز احساس خطر برای شاعران و هنرمندانی بود که به جای اندیشیدن به خلق زیبایی و انتقال حقایق معنوی، گرسنه و به فکر نان بودند. پاند در مقاله‌ای با عنوان "Organically Speaking" چنین می‌گوید: «برخی کاتولیک‌ها به فقر به عنوان چیزی ارزشمند، بلکه مقدس می‌نگرند، البته آن‌ها میان فقر و ادبار و بدبختی تفاوت و تفکیک قائل نمی‌شوند.» (1935: 211-212). مقصود پاند از این گفته این است که شاید بتوان گاهی اوقات فقر را تحمل کرد؛ اما هنرمند و شاعر هرگز نباید دچار ادبار شود؛ زیرا در این صورت همه چیز از دست خواهد رفت. درست به همین دلیل بود که در سال ۱۹۲۲م در پاپس به کمک بانویی به

نام ناتالی بارنی^{۲۳} طرحی را آماده کرد تا به وسیله آن از تی اس الیوت حمایت مالی شود تا اینکه او مجبور نباشد به کار خود در بانک لوید^{۲۴} ادامه دهد؛ کاری ملال آور و بیهوده که مانع خلق آثار بزرگ شعری می شد. آثاری که به نظر پاند، هر فرهنگی به آن ها نیاز دارد. نام این طرح Bel Spirit بود و بر اساس آن، آنان که توانایی مالی داشتند می بایست در سال از ده تا پنجاه پوند کمک می کردند. البته به دلیل شرم و حیای الیوت و کنار کشیدن او، این طرح به جایی نرسید و متوقف شد.

به طور طبیعی، بهبود وضع اقتصادی و معیشتی شاعران و هنرمندان منوط به بهبود وضع اقتصادی عمومی مردم است. این وضعیت هم در گرو بالا بردن آگاهی عمومی درباره موضوعات مربوط به پول و اقتصاد است. از این رو است که پاند بخش اعظم زندگی شاعرانه و هنرمندانه خود را صرف نوشتن اشعار و آثار منثوری کرد که هدف آن ها، روشن کردن افکار عمومی در این خصوص بوده است. پاند با انرژی و همتی کم نظیر در جست و جوی شخصیت هایی بود که دغدغه هایی شبیه به او داشتند و در پی اصلاحات اقتصادی عظیم در سطح جامعه بودند. او در این کار موفقیت های چشمگیری به دست آورد و افرادی همچون ای آر اوراژ^{۲۵} (۱۸۷۳-۱۹۵۲م)، سی اچ داگلاس و سیلویو گسل^{۲۶} (۱۸۶۲-۱۹۳۰م) را کشف کرد و از اندیشه های نو و بی سابقه اقتصادی آنان بهره فراوان برد.

از نوشته های معروف پاند با هدف آشنا کردن خواننده عام با مفاهیم ابتدایی پول و اقتصاد، *الفبای اقتصاد*^{۲۷} (۱۹۳۳) است. در این کتاب، همان گونه که از نام آن پیداست، پاند می کوشد به ابتدایی ترین و مهم ترین مفاهیم اقتصادی ایپردازد که هر کس باید از آن آگاه باشد. این کتاب تأثیر عمیق اندیشه های اقتصادی داگلاس را بر او نشان می دهد. یکی از اصلی ترین محورهای این کتاب، توجه پاند به مفهوم اقتصادی «توزیع» است. پاند بر این باور است که چون در قرن بیستم دیگر مشکلی به نام مشکل تولید وجود ندارد، مهم ترین مشکل اقتصادی، توزیع است. اگر توزیع درست صورت بگیرد، دیگر کسی گرسنه نخواهد ماند؛ بنابراین سؤال اصلی خود را در این کتاب این گونه مطرح می کند: «اصلاً چرا باید کسی گرسنه باشد؟» (۲۰۴: ۱۹۳۳) و خود چنین پاسخ می دهد: «علم و یا مطالعه اقتصاد برای این است که چنین اتفاقی نیفتد.» (Ibid, 205).

یکی از تمهیداتی که پاند در آثار متنوع خود برای از بین بردن مشکلات اقتصادی از جمله گرسنگی می‌اندیشد، هدایت روش‌ها و فعل و انفعالات تجاری و اقتصادی به سمت هر چه طبیعی‌تر شدن است. در مقابل روش طبیعی پیشنهادشده از سوی پاند، ربا و رباخواری را داریم که نماد اقتصاد غیرطبیعی و بیمار است. یکی از بهترین روش‌های طبیعی که به شتاب و سرعت گردش پول کمکی باورنکردنی می‌کند و از انباشت آن در دست عده‌ای سودجو جلوگیری می‌کند، استفاده از تمبر- پول^{۲۸} است؛ پدیده‌ای عجیب که شهردار وورگل^{۲۹}، شهری در اتریش، آن را اجرا کرد و موفقیتی عظیم به‌دست آورد. البته از سرایت این طرح به شهرها و مکان‌های دیگر جلوگیری شد. تمبر- پول به زبان ساده، پولی است که مانند پدیده‌ای طبیعی فاسد می‌شود و از بین می‌رود؛ به این معنا که کسی که برای مثال ۱۰۰ دلار دارد، ظرف یک ماه، خودبه‌خود یک دلار از ارزش پولش را از دست می‌دهد؛ بنابراین مجبور است سر هر ماه به اداره پست برود و به ارزش یک دلار ارز خریداری کند و به ۱۰۰ دلار خود بچسباند تا ۱۰۰ دلارش همان ۱۰۰ دلار باقی بماند و گرنه پولش فاسد می‌شود و به تدریج از بین می‌رود. پاند به این طرح علاقه بسیار زیادی داشت و معتقد بود از آن طرح‌های اقتصادی آرمانی است که برای بهبود وضع اقتصادی موجود در نظام سرمایه‌داری قدرت بسیار بالایی دارد.

در پایان این بخش دوباره و از دیدگاه دیگری بر رابطه ناگسستنی میان اقتصاد و شعر در نظر پاند تأکید می‌کنیم؛ یعنی اقتصاد هم به‌عنوان یک موضوع و محتوا در آثار ادبی و هم به عنوان استعاره و شکلی کلی و فراگیر در شعر و زبان شعر. پاند در شعر خود نیز به دنبال زبانی طبیعی است که به گردش هرچه سریع‌تر و پرشتاب‌تر اندیشه‌ها در شعر کمک کند؛ زبانی روان، پاک و عاری از آرایه‌های بی‌معنا که انتقال معنا را برای شاعر دشوار، بلکه ناممکن می‌کند؛ همچنان‌که در حوزه اقتصاد نیز واسطه‌ها از رسیدن کالاهای به دست افراد جلوگیری می‌کنند. به همین دلیل است که پاند روش‌های متعددی همچون Imagism و Vorticism را در طول عمر شاعرانه خود می‌آزماید تا به آن زبان مطلوب و آرمانی خود که پاک و زلال و طبیعی است دست یابد.

نتیجه‌گیری

پول و اقتصاد در زندگی هنرمندان پاند نقشی چندوجهی ایفا می‌کنند. از یک سو در شکل‌گیری خاستگاه‌های فکری او بسیار مؤثرند که این تأثیر بیشتر ناشی از بستر اجتماعی- فرهنگی است و از سوی دیگر، هدف غایی او در ارائه اشعارش هستند. کارکرد اقتصادی اشعار او در تدوین نظریه‌های عدالت- محور اقتصادی و اجتماعی دیده می‌شود و همچنین رویکردهای نوینی را در زیبایی‌شناسی شعر معاصر رقم می‌زند. ساختارهای ادبی برگرفته از آثار پاند در زیرمتنی از زیبایی‌شناسی‌های ساده و عادلانه شعری حضور دارند و به جهانی بیرون از خود شعر راه می‌یابند؛ آن‌گونه که تخیل هنرمندانه نیز در جهانی دوجوهی به واقعیت‌های مادی پیوند می‌خورد. تلاش پاند بیشتر از این نظر اهمیت دارد که رابطه میان شعر و اقتصاد به طور کلی بی‌معناست و قابل درک نیست. اما آثار پاند نشان‌دهنده رابطه دوسویه عمیق میان این دو و برون‌دادهای تأثیرگذار در حوزه فرهنگ و جامعه است. به عبارت دیگر، در این مقاله بر وجود چنین رابطه‌ای در آثار پاند تأکید کرده و با واکاوی آن، کیفیت مناسبات درون‌حوزه‌ای و برون‌حوزه‌ای شعر پاند را دریافته‌ایم.

ادبیات به طور عام و ادبیات مدرن و معاصر به طور خاص، به مقوله و مفهوم پول و اقتصاد نه فقط به مثابه محتوا، بلکه به مثابه شکل توجه بسیار زیادی دارد؛ به طوری که هم در آثار شعری، داستانی و نمایشی و هم در آثار انتقادی مختلف، آگاهی از اهمیت استعاره پول و اقتصاد و رابطه درونی و ناگسستگی آن با ادبیات و زبان ادبی به روشنی هر چه تمام دیده می‌شود. اطلاق استعاره برای پول و اقتصاد در ادبیات کارکردی دوگانه دارد: از یک سو ریشه واژه استعاره به ذات اقتصادی آن اشاره دارد (استعاره به معنای به عاریت و یا وام گرفتن) و از سوی دیگر مفهوم استعاره ناظر به مفهوم مبادله و معاوضه است؛ به این معنا که با استفاده از استعاره، رابطه‌ای پویا و زاینده میان دو واژه و دو مفهوم برقرار می‌شود. به اعتقاد مارک شل، «واژه و مفهوم مبادله نه تنها بیانگر رابطه میان واژه‌های یک استعاره، بلکه بیانگر فرایند آفرینش خود استعاره نیز می‌باشد.» (1978: 52). یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان مدرن اتریشی یعنی رابرت موسیل^{۳۰} (۱۸۸۰-۱۹۴۲م) اهمیت استعاره پول و اقتصاد را در ادبیات چنین بیان

می‌کند: «امروزه به جایی رسیده‌ایم که می‌توانیم هر نوع رابطه‌ای را - از عشق گرفته تا منطقی محض - به زبان عرضه و تقاضا و وثیقه و تضمین و تخفیف بیان نماییم.» (Bracker and Herbrechter, 2005: 7). این گفته به این معناست که استعاره پول و اقتصاد در تار و پود زبان ادبی تنیده شده و بی‌توجهی به آن، به فهم انسان از ادبیات و آثار ادبی آسیب‌های جدی می‌رساند. ادبیات در لایه‌های درونی خویش به رویکردهای اقتصادی پیوند خورده و در فهم بیرونی نیز نیازمند آن‌هاست. در جهان معاصر که اندیشه‌های اقتصادی بر تمام ساختارهای زندگی چیرگی دارند، نقش این نوع نگاه دوچندان می‌نماید؛ به‌ویژه اگر موضوع مورد نظر ادبیات، هنر و تفکر باشد. گفته‌ای از پاند می‌تواند روشی برای درک این مفهوم باشد:

چه در هنرمند جوان و چه پیر، لازم نیست تمام هندسه یک نقاشی به آگاهی یک نقاش پرتاب شود و قبل از اینکه قلم‌موی نقاش بوم نقاشی را لمس نماید، توسط وی مورد تحلیل قرار بگیرد. یک نابغه می‌تواند قرض خود را با شمش و طلای خام پرداخت نماید. لازم نیست او دانش خویش را به ضراب‌خانه آگاهی آورده و از آن سکه دانش مبتنی بر شکل به خوبی تحلیل شده و یا اسکناسی از واژه‌ها، قبل از انتقال آن بزند. کمی شانس برای هنرمند جوان کافی است و برای هنرمند سال‌خورده نیز پیوند ناگهانی تکه‌های دانشی که در طول سال‌ها جمع شده‌اند کفایت می‌کند تا وی مجبور نباشد آن را به صورت سکه ارائه نماید (Zinnes, 1980: 124).

باری، این پژوهش دریچه‌ای را به سوی زوایای ناآشنای حوزه ادبیات گشوده است که آشکارگی آن‌ها در پژوهش‌های آینده و با رویکردی تفسیری قابل دست‌یابی است.

پی‌نوشت‌ها

1. Ezra Pound
2. Peter Nicholls' *Ezra Pound: Politics, Economics, and Writing, A Study of the Cantos*. London: Macmillan, 1984; James Laughlin's "Pound's Economics" in *Pound as Wuz: Recollections and Interpretations*. London: Peter Owen, 1984; Robert Casillo's *The Genealogy of Demons: Anti-Semitism, Fascism, and the Myths of Ezra Pound*. Illinois: Northwestern University Press, 1988, and "Troubadour Love and Usury in Ezra Pound's Writings". *Texas Studies in Literature and Language* 27

(Summer 1985): 125-153; Alec Marsh's *Money and Modernity: Pound, Williams and the Spirit of Jefferson*. Tuscaloosa and London: The University of Alabama Press, 1998; Lloyd G. Reynolds' "Economics in History: The Poetic Vision of Ezra Pound". *The Yale Review* 75: 83 (June 1986): 385-398; Leon Surfette's *Pound in Purgatory: From Economic Radicalism to Anti-Semitism*. Urbana and Chicago: University of Illinois Press, 1999; David Kadlec's *Mosaic Modernism: Anarchism, Pragmatism, Culture*. Baltimore and London: The John Hopkins University Press, 2000; and Michael Tratner's "Love versus Usury: The National Cures of Ezra Pound and William Carlos Williams" in *Deficits and Desires: Economics and Sexuality in Twentieth-Century Literature*. Stanford: Stanford University Press, 2001.

3. Hugh Kenner
4. The Cantos
5. Alex De Tocqueville
6. C. H. Douglas
7. Maud Ellmann
8. Andrew Ross
9. Grover Cleveland
10. Benjamin Harrison
11. Patricia Hutchins
12. Murer by Capital
13. Image

۱۴. مارتین لوتر، شخصیت دینی و انقلابی آلمانی، در نوشته‌های خود به طور غیرمستقیم قبح ربا و رباخواری را از بین برد.

۱۵. William Peterson از بنیان‌گذاران اصلی بانک انگلستان در آخرین دهه قرن هفدهم و کسی که در چشم پاند فریب‌کارانه دست به آفرینش پول از هیچ می‌زند.

16. Herman Melville
17. Samuel Taylor Coleridge
18. *Guide to Kulchur*
19. Louis Zukofsky
20. Francois Rabelais
21. Donald Pearce
22. W. B. Yeats
23. Natalie Barney
24. Lloyd
25. A. R. Orage
26. Silvio Gesell
27. ABC of Economics
28. Stamp Scrip
29. W?rgl
30. Robert Musil

منابع

- Bracker, Nicole and Stefan Herbrechter. (2005). *Metaphors of Economy*. Amsterdam and New York: NY: Rodopi.
- De Tocqueville, Alex. (1969). *Democracy in America*. Trans. George Lawrence. Ed. J. P. Meyer. New York.
- DiGaetani, John Louis. (Ed.). (1994). *Money: Lure, Lore, and Literature*. Westport: Greenwood Press.
- Ellmann, Maud. (1979). "Floating the Pound: The Circulation of the Subject of *The Cantos*". *Oxford Literary Review* 3. PP. 16-27.
- Fiedler, Leslie A. (1981). "Literature and Lucre: A Meditation". *Money Talks: Language and Lucre in American Fiction*. Ed. Roy R. Male. University of Oklahoma Press.
- Hamilton, Ian. (1994). "The Trouble with Money". *Granta* 49. PP. 61-66.
- Heinzelman, Kurt. (1980). *The Economics of the Imagination*. Amherst: The University of Massachusetts Press.
- Herbert, W. N. And Matthew Hollis. (Ed.). (2000). *Strong Words: Modern Poets on Modern Poetry*. Northumberland: Bloodaxe Books.
- Horisch, Jochen. (2000). *Heads or Tails: The Poetics of Money*. Trans. Amy Horning Marschall. Detroit: Wayne State University Press.
- Hutchins, Patricia. (1965). *Ezra Pound's Kensington: An Examination 1885-1913*. London.
- Hyde, Lewis. (1983). *The Gift: Imagination and the Erotic Life of Property*. New York: Vintage Books.
- Kenner, Hugh. (2000). "Ezra Pound". *World Poets*. Ed. Ron Padgett. Vol. 2. New York: Charles Scribner's Sons.
- ——— (October-November 1965) "Ezra Pound and Money". *Agenda* 4:2. PP. 50-55.
- Leith, Vincent B. Et. al. (2001). *The Norton Anthology of Theory and Criticism*. New York and London: W. W. Norton & Company.
- Lerner, Laurence. (1982-1994). "Literature and Money" in *The Literary Imagination: Essays on Literature and Society*. Sussex: The Harvester Press. PP. 308-22.
- Lipke, William C. and Bernard W. Rozran. (Winter-Spring 1966). "Ezra Pound and Vorticism: A Polite Blast". *Wisconsin Studies in Contemporary Literature* 7:1. PP. 201-210.
- Le Goff, Jacques. (1979). "The Usurer and the Purgatory" in *The Dawn of Modern Banking*. New York: Yale University Press.
- Norman, Charles. (1969). *Ezra Pound: A Biography*. London: Macdonald.
- Pearce, Donald. (1989). "Paradise Over the Shambles" in *Para/Worlds: Entanglements of Art and History*. The Pennsylvania State University Press.
- Pound, Ezra. (1933). *ABC of Economics*. London: Faber and Faber.
- ——— (1917). "An Anachronism in Chinon". *The Little Review*. PP. 14-21.

- _____ (1952). *Guide to Kulchur*. London: Peter Owen.
- _____ (1974). "Indiscretions or, Une Revue de Deux Mondes" in *Pavannes and Divagations*. New York: New Directions.
- _____ (1936). *Jefferson and/ or Mussolini*. New York: Liveright.
- _____ (1951). *The Letters of Ezra Pound*. Ed. D. D. Paige. London: Faber and Faber.
- _____ (1968). *Literary Essays of Ezra Pound*. Ed. T. S. Eliot. London: Faber and Faber.
- _____ (1935). *Make It New*. London: Faber and Faber.
- _____ (1935). "Organically Speaking". *New English Weekly* . PP. 211-212.
- _____ (1977). *Selected Poems 1908-1969*. London and Boston: Faber and Faber.
- _____ (1978). *Selected Prose 1909-1965*. London: Faber and Faber.
- _____ (1970). *Gaudier-Brzeska: A Memoir*. New York: New Directions.
- _____ (1993). *The Cantos of Ezra Pound*. New York: New Directions.
- _____ (1910). *The Spirit of Romance: An Attempt to Define Somewhat the Charm of Pre-Renaissance Liteerature of Latin Europe*. London: Dent.
- Rabaté, Jean-Michel. (1986). "Poundwise: Towards a General Critique of Economy" in *Lan-guage, Sexuality and Ideology in Ezra Pound's 'Cantos'*. London: Macmillan.
- Reynolds, Lloyd G. (1986). "Economics in History: The Poetic Vision of Ezra Pound". *The Yale Review* 75:3. PP. 385-398.
- Ross, Andrew. (1984). "The Waste Land and the Fantasy of Interpretation". *Representations*. PP. 134-158.
- Rossi-Landi, Ferruccio. (1983). *Language as Work and Trade: A Semiotic Homology for Linguis-tics and Economics*. Trans. Martha Adams and others. Massachusetts: Bergin & Garvey Publishers.
- Shell, Marc. (1978). *The Economy of Literature*. Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press.
- Sohn-Rethel, Alfred. (1978). *Intellectual and Manual Labour*. London: Macmillan.
- Stock, Noel. (1964). *Poet in Exile: Ezra Pound*. Manchester: Manchester University Press.
- Solkin, David H. (1993). *Painting for Money: The Visual Arts and the Public Sphere in Eighteenth-Century England*. New Haven and London: Yale University Press.
- Watts, Michael (Ed.). (2003) *The Literary Book of Economics*. Delaware: ISI Books.
- Zinnes, Harriet (Ed.). (1980). *Ezra Pound and the Visual Arts*. New York.